



بررسی تطبیقی شاخصهای فرهنگی ایران با سایر کشورهای جهان

مقاله‌ای که می‌خوانید گزیده‌ای از مقاله نویسنده در سمینار فرهنگ و توسعه است
به جهت محدودیت صفحات مجله ناگزیر حذف جدولها و نمودارهای آن شده‌ایم.
با پوزش از نویسنده و خوانندگان.



رتال جامع علوم انسانی

کتابخانه‌های عمومی، رادیو و تلویزیون و سینما را در ایران در مقایسه
با کشورهای دیگر بررسی و دشواریها و موانع را در حد وسع ریشه‌یابی
کنیم.
لازم به تذکر است که بحث و بررسی شاخصهای فرهنگ مورد
بحث در این مقاله، فرصت و زمانی گسترده و مناسب می‌خواهد و آن
چه که در این مقاله آمده به صورت مختصر و کوتاه شده است و از این
رو ممکن است برخی از شاخصهای فرهنگی و نیز علل و ریشه‌یابی
مشکلات از قلم‌افزاده باشند و ادعا نداریم که در این مقاله به بررسی
همه‌جانبه و کامل موضوع مورد بحث پرداخته‌ایم به این امید که
صاحب‌نظران در اصلاح و پذیرش بحث حاضر بنده را همراهی نمایند.

در جهان امروز که عصر ارتباطات و اطلاعات نام گرفته، رسیدن به
توسعه اقتصادی - اجتماعی بدون توسعه علمی و فرهنگی غیرممکن
می‌نماید. فرهنگ هر جامعه از دو بخش مادی و غیرمادی تشکیل
می‌شود که در هر یک عناصر و نهادهایی وجود دارند که جامعه را به
سوی توسعه ملی راه می‌برند.
برای حرکت به سمت توسعه اولین گام آگاهی و اطلاع از وضعیت
موجود و شناخت موانع و مشکلات جهت برنامه‌ریزی دقیق و درست
به منظور رفع آنها و بهبود اوضاع است. از این رو در این مقاله
می‌کوشیم عناصر و نهادهای مختلف فرهنگی را در ایران با سایر
کشورهای جهان مقایسه کنیم و وضعیت مطبوعات، انتشارات،

۱ - مطبوعات

- تعداد عناوین روزنامه‌ها در ایران $7/2$ (میانگین این رقم در کشورهای توسعه یافته است).
- تیراژ روزنامه‌ها به ازای هر نفر در ایران $7/5$ (میانگین این رقم در کشورهای توسعه یافته است).
- تعداد عناوین مجلات و نشریات ادواری در ایران $7/8/5$ (میانگین این رقم در کشورهای توسعه یافته است).
- تیراژ مجلات و نشریات ادواری به ازای هر نفر در ایران $7/2/3$ (میانگین این رقم در کشورهای توسعه یافته است).

۲ - انتشار کتاب

- تعداد کل عناوین کتب منتشر شده در ایران $7/10$ (میانگین این رقم در کشورهای توسعه یافته می‌باشد).
- تعداد عناوین کتب منتشر شده به ازای یک میلیون نفر در ایران $7/8$ (میانگین این رقم در کشورهای توسعه یافته می‌باشد).
- تیراژ کل کتب منتشر شده در ایران $7/10$ (میانگین این رقم در کشورهای توسعه یافته می‌باشد).
- تیراژ کتب منتشر شده به ازای هر نفر در ایران $7/8$ (میانگین این رقم در کشورهای توسعه یافته می‌باشد).

۳ - کتابخانه‌های عمومی

- تعداد کل کتابخانه‌های عمومی در ایران $7/5$ (میانگین این رقم در کشورهای توسعه یافته است).
- تعداد کتابخانه‌های عمومی به ازای هر صد نفر در ایران $7/1/8$ (میانگین این رقم در کشورهای توسعه یافته است).
- تعداد کتب موجود در کتابخانه‌های عمومی ایران $7/1/7$ (میانگین این رقم در کشورهای توسعه یافته است).
- تعداد کتب موجود در کتابخانه‌های عمومی ایران به ازای هر نفر $7/1/7$ (میانگین این رقم در کشورهای توسعه یافته است).

۴ - گیرنده‌های رادیویی

- تعداد کل گیرنده‌های رادیویی در ایران $7/10$ (میانگین این رقم در کشورهای توسعه یافته می‌باشد).
- تعداد گیرنده‌های رادیویی در هر هزار نفر در ایران $7/19$ (میانگین این رقم در کشورهای توسعه یافته می‌باشد).

۵ - گیرنده‌های تلویزیونی

- تعداد کل گیرنده‌های تلویزیونی در ایران $7/7/8$ (میانگین این رقم در کشورهای توسعه یافته است).
- تعداد گیرنده‌های تلویزیونی به ازای هر هزار نفر ایرانی $7/9$ (میانگین این رقم در کشورهای توسعه یافته است).



- تعداد کل سندلیهای موجود در سینماهای ایران ۳۰٪ (۱/۱) میانگین این رقم در کشورهای توسعه یافته است.
- تعداد سندلیهای سینما به ازای هر هزار نفر در ایران ۱۰٪ (۱/۲) میانگین این رقم در کشورهای توسعه یافته است.
- تعداد دفعاتی که هر فرد در ایران به سینما می‌رود ۵۰٪ (۱/۳) میانگین این رقم در کشورهای توسعه یافته است.



ریشه‌یابی و علت‌جویی مشکلات؛ لازم به ذکر است تمامی عملی که از این پس ذکر می‌کنیم می‌توانند در ارتباط با همدیگر بوده و یک زنجیره علت و معلولی را تشکیل دهند.

الف) مطبوعات

۱- دلایل پایین بودن تعداد عناوین و تیراژ روزنامه‌ها و نشریات:

- شخصی بودن ملاکهای گزینش مقالات جهت چاپ در روزنامه و مجلات، در واقع این دروازه‌بانان علم، سعی بر آن دارند تا مقالات دریاغی از طرف دوستان و آشنایان (همفکران، هم‌دانشگاهیان، هم‌مسکن‌ها و...) - گاه بدون توجه به ابعاد کیفی آن - را به چاپ برسانند و چه بسا مقالات معتبر و ارزنده‌ای که به علت نامشهور بودن و گمنامی نویسنده آن، اجازه درج مقاله در هیچ مجله یا روزنامه را نمی‌یابند، که این امر در کاهش کیفیت مطبوعات و نهایتاً کاهش عنوان و تیراژ آنها مؤثر واقع می‌گردد.

- کمبود خبرنگاران، گزارشگران و افراد اهل قلم و تحصیل کرده دانشگاهی که توانایی شناخت علایق و سلیقه‌های مخاطبین را داشته باشند و تنوع و ابداعی در نوشته‌های آنان یافت شود.

- عدم توزیع مناسب روزنامه‌ها و مجلات در سراسر کشور؛ طبق آمار سال ۶۸، حدود ۹۰٪ مطبوعات در تهران و تنها ۱۰٪ در سایر شهرستانها منتشر می‌شد که این امر در دیررسیدن مطبوعات به نقاط دور دست کشور و نهایتاً کهنه شدن اخبار - با توجه به تسلط فرهنگ شفاهی بر فرهنگ نوشتاری در کشور و میل عمومی به گوش کردن و دیدن از رادیو و تلویزیون - تأثیر مهملی خواهد گذاشت و در نتیجه از تعداد خوانندگان کاسته و عنوان و تیراژ مطبوعات را پایین نگه می‌دارد.

- جذاب نبودن شکل ظاهری مطبوعات؛ عدم استفاده از کاغذهای رنگی و مرغوب، تصاویر زیبا و طرحهای جالب، مطالب گوناگون و... سبب عدم استقبال زیاد خوانندگان و نهایتاً پایین آمدن عنوان و تیراژ مطبوعات می‌گردد.

۱/۱- مشکلات اقتصادی چاپ و نشر؛ از جمله، گرانی و کمبود بودن وسایل و تجهیزات چاپ و نشر نظیر کاغذ، فیلم، رنگ، دستگاههای چاپ و تکثیر و...

۱/۲- مسائل سیاسی - عقیدتی؛ مطابق قانون اساسی کشور که بر مبنای دین مبین اسلام تدوین گردیده، مطبوعاتی که قصد ضربه‌زدن به نظام کشور را داشته باشند و به نحوی عملی با سیاستهای دولت اسلامی مخالفت و معاندت ورزند، اجازه انتشار نخواهند داشت.

۱/۳- ضعف ساختار علمی - پژوهشی؛ ضعف ساختار علمی - پژوهشی، اجازه ایجاد و تأسیس انجمنها و محافل علمی و تحقیقاتی در حد کفایت را نمی‌دهد، در واقع یکی از ابتکارات مهم اجتماعی در اوایل دوران جدید، ایجاد انجمنها و مجلات در سطح منطقه‌ای، محلی و بین‌المللی به عنوان وسایلی برای انتقال سریعتر و فراگیرتر آثار علمی به اجتماع دانشمندان بود... پایین بودن تعداد انجمنها و محافل علمی و پژوهشی، عملاً به پایین بودن تعداد عناوین و تیراژ مطبوعات (خصوصاً مجلات و نشریات ادواری علمی - تخصصی) منجر می‌گردد.

۱/۴- مشکلات ساختاری (اداری - اجرایی)؛ که می‌توانند از طرق زیر نمود پیدا کنند:

- مشکلات قانونی اخذ مجوز انتشار روزنامه یا مجله از مراجع ذیصلاح بدلائیل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی - اجتماعی، علمی، شخصیتی و...

۲- دلایل عدم اشتیاق و علاقه مردم به خواندن مطبوعات

۲/۱- کمبود فرصت مطالعه و اوقات فراغت به علت ازدیاد مشکلات اقتصادی؛ وجود مشکلات اقتصادی در سطح خرد یعنی در خانواده، امری تقریباً فراگیر می‌باشد بدین معنی که به علت عدم تطابق میزان درآمد با میزان مخارج زندگی، نان‌آوران زندگی مجبور به انجام اضافه کاری در محل کار خود، و یا انجام کار دیگر در جایی دیگر - در اصطلاح جامعه شناسی کار و شغل، دوکاری و سیاه کاری - می‌باشند که این قضیه بر پُرشدن اوقات زندگی و خستگی ناشی از کار می‌انجامد که نهایتاً فرصت و حوصله‌ای برای مطالعه و خواندن روزنامه و مجله باقی نمی‌گذارد. در واقع می‌توان گفت نیازهای فرهنگی تحت الشعاع نیازهای اقتصادی قرار می‌گیرند.

۲/۲- مشکلات فرهنگی اجتماعی؛ عدم برنامه ریزی صحیح و دقیق جهت استفاده از اوقات فراغت و نداشتن برنامه مشخصی در زندگی شخصی به عنوان یک عرصت فرهنگی - اجتماعی، در هدر رفتن فرصتها و عدم استفاده از آنها در جهت مطالعه و یادگیری اهمیت بسزایی دارد.

- بیسوادی عمومی و گسترده؛ لازمه خواندن و مطالعه، باسوادی بودن است، البته در این جا ما از تعریف رایج باسوادی که به توانایی خواندن و نوشتن اشاره دارد فراتر می‌رویم و به سوادی توجه داریم که کارآ باشد. به عبارت دیگر اکثر افرادی که تنها سواد خواندن و نوشتن در سطح ابتدایی و حتی متوسطه را فرا گرفته‌اند، از این توانایی تنها در جهت رفع نیازهای ضروری و ابتدایی - نظیر انجام معاملات روزمره خواندن تابلوهای پزشکان و بیمارستانها، نوشتن نام و نام خانوادگی و امضاءکردن و... استفاده می‌کنند و تلاشی در جهت فراگیری مطالب جدید و توسعه دامنه اطلاعات و سواد خود ندارند. با توجه به این مهم می‌توان گفت که نرخ بیسوادی در کشور ما - با تعریفی که از سواد ارائه دادیم - بسیار بالا می‌باشد که نهایتاً به پایین بودن خوانندگان منجر می‌گردد.

- تسلط فرهنگ شفاهی - گفتاری بر فرهنگ کتبی - نوشتاری؛ همانند سایر جوامع درحال توسعه و جهان سوم، داریان نیز بدلیل تاریخی، فرهنگی، طبقاتی، شخصیتی و روانی، و... افراد تمایل دارند تا اطلاعات و اخبار مورد نیاز را از راههایی غیر از مطالعه مستقیم مطبوعات و کتب دریافت کنند، رادیو، تلویزیون، سینما، گفتگوهای شخصی و چهره به چهره از مهمترین راههای کسب اطلاعات به طریق غیرکتبی و نوشتاری می‌باشند.

عادت نداشتن به مطالعه و خواندن به عنوان یک کار فرهنگی؛ مهم تلقی نکردن علم و دانش و نیز حیاتی ندانستن اطلاع و آگاهی، به



عنوان ویژگیهای فرهنگی از دلایلی است که از تشکیل و پرورش روح و انگیزه مطالعه جلوگیری می‌کند. باید گفت که تا در جامعه ما عادت به مطالعه و خواندن به عنوان یک باور فرهنگی شکل نگیرد این وضعیت ادامه خواهد داشت.

ب) انتشار کتاب؛ لازم به ذکر است که دلایل پایین بودن عنوان و تیراژ و کم بودن تعداد کتابخوانان بر همدیگر تأثیر متقابل داشته و رابطه دوجانبه‌ای بین آنان برقرار می‌باشد.

۱- دلایل پایین بودن عنوان و تیراژ کتب منتشر

شده:

۱/۱- مشکلات اقتصادی؛ مهمترین مسئله در این جا گران

بازمانند و بدین ترتیب بیش از نیمی از کتابها با تیراژ ۳۰۰۰ جلد در انبارهای کتابفروشیها خاک می‌خورد، که این امر در عدم علاقه نویسندگان و ناشران به نگارش و چاپ کتاب مؤثر واقع می‌گردد و در نهایت با افت تیراژ کتاب، قیمت تمام شده آن بیشتر شده و برای خریداران گران درمی‌آید و خریدار بی‌پول از خرید آن منصرف شده و نهایتاً این زنجیره گرانی، تخریب‌دهنده افت تیراژ و ادامه می‌یابد.

۱/۲- مشکلات اقتصادی - فرهنگی؛ در کشورهای

توسعه‌یافته عادت به مطالعه از همان سنین کودکی و در مدرسه به کودکان آموخته شده تا مراحل بعدی زندگی نیز آنان را همراهی می‌کند، این عادت به عنوان یک باور فرهنگی در عمق جان آنها ریشه عمیق دارد و برای تداوم این عادت فرهنگی، از آن حمایت مالی و پولی انجام می‌دهند، به بیانی واضحتر در کشورهای توسعه‌یافته - با توجه به مجوز و روزآمد بودن کتابخانه‌های موجود - افراد بودجه خاصی را صرف خرید کتب و نشریات می‌نمایند به عنوان مثال در یک سال بطور میانگین هر فرد آلمانی در حدود ۲۰/۲۰۰ تومان، هر فردی ۱۹/۳۰۷ تومان، هر آمریکایی ۱۵/۱۴۸ تومان، هر اسپانیایی ۱۳/۱۲۰ تومان، هر انگلیسی ۱۲/۳۲۰ تومان، و هر فرد فرانسوی ۱۰/۸۸۰ تومان صرف خرید کتاب می‌کند^۱، این درحالی است که طبق برآوردهای خوشبینانه در ایران در طی سال ۱۳۶۹، هر فرد ایرانی بطور میانگین تنها ۱۲۲ تومان صرف خرید کتاب می‌نماید (یعنی ۰/۶٪ یا $\frac{1}{165}$ یک فرد آلمانی). علت اختصاص بودجه ناچیز برای خرید کتاب از طرف افراد ایرانی را باید هم در مشکل فرهنگی - عدم عادت به مطالعه و عدم نگرش و باور به علم به عنوان راهگشای مشکلات موجود - و هم در مشکل اقتصادی - پایین بودن حقوق و دستمزد و عدم برابری قدرت خرید با قیمت‌ها جستجو کرد.

۱/۳- مشکلات ساختاری (اداری - اجرایی)؛ که از

طرف زیر عمل می‌کنند:

- نبود قوانین دقیق و کارآمد جهت چاپ و انتشار کتب، و نیز کمبود یا نقص قوانین جهت رعایت حقوق مؤلف و مترجم.

- عدم وجود افرادی که بتوان آنها را صرفاً تحت عنوان مؤلف یا مترجم نامگذاری کرد چرا که در ایران نویسندگی شغل اصلی و یگانه کسی نیست و نویسندگان ما غالباً از شغل دیگری تأمین معاش می‌کنند و این خود بدان دلیل است که مبلغ ناچیزی از فروش کتاب (که اکثراً ممکن است بفروش هم نروند) به مؤلف یا مترجم می‌رسد که کفاف زندگی وی را نمی‌دهد.

- مشکلات موجود برای مؤلفان و مترجمان جهت انعقاد قرارداد چاپ و انتشار کتاب با ناشران.

- ضعف بودجه کتابخانه‌های کشور و در نتیجه تخریب کتب



بودن قیمت تمام شده کتاب برای خریداران می‌باشد؛ از آن جا که اکثر خوانندگان کتاب را اقتضای نظیر دانشجویان، معلمان، استادان، پژوهشگران و... تشکیل می‌دهند که از لحاظ درآمد در سطح مطلوبی نیستند بنابراین توان مالی لازم جهت خرید کتاب را ندارند، در واقع می‌توان گفت در ایران کسانی که کتاب می‌خوانند پول ندارند و کسانی که پول دارند کتاب نمی‌خوانند! بهر تقدیر گران بودن قیمت کتاب - که خود ناشی از عواملی نظیر گرانی کاغذ، فیلم، رنگ، تکثیر، چاپ و... می‌باشد - سبب می‌گردد تا کتابخوانان کم درآمد از خرید کتب مورد نیاز

منتشر شده؛ اگر کتابخانه‌های کشور از هر کتابی که منتشر می‌گردد یک جلد خریداری نمایند؛ نیمی از کتب منتشر شده را می‌خرند که کمک مهمی در به فروش رسیدن کتاب می‌باشد. کاری که در سالهای قبل از انقلاب طبق قانون، کتابخانه‌های عمومی و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انجام می‌دادند که این امر سبب می‌گردد تا هزینه چاپ کاغذ در آن زمان تأمین شود و ناشر تحت فشار اقتصادی قرار نگیرد. آذر حالی که هر ساله حدود ۴ تا ۵ هزار عنوان کتاب جدید در کشور منتشر می‌گردد کتابخانه‌های عمومی تنها می‌توانند هر سال ۲۰۰



برای مطالعه به جهت اشتغال بیش از حد به کار)
۲/۲ - مشکلات فرهنگی - اجتماعی که به چند مورد آن در بخش مطبوعات اشاره کردیم (عدم عادت به مطالعه، عدم برنامه‌ریزی دقیق جهت استفاده از اوقات فراغت، تسلط فرهنگ شفاهی و نوشتاری، یسوادی عمومی و گسترده)، در این جا به یک مورد دیگر اشاره می‌کنیم:

- اسانید و پژوهشگران، نویسندگان و مترجمین ما ضمن اینکه از سوی ساختار علمی - پژوهشی کشور تحت فشار قرار گرفته و از نبود سنت و پیشینه علمی قوی در سطح ملی (الته علم به معنای جدید آن) رنج می‌برند؛ خود نیز در وادی لزوا و تکروی گام نهاده و از هم‌فکری و همکاری فرار نموده و به کار دسته‌جمعی نمی‌پردازند. این امر گاه به سبب افت کیفی نوشته‌ها و کتب منتشر شده، جذابیت کافی برای خواننده ندارد.

در انتها باید بیفزاییم که بعضی از صاحبان مسائل اجتماعی، درگیری طبقات متوسط و کم درآمد با کمبودها و فقر اقتصادی به معنی عام را از عوامل محدودکننده کتابخوانی و رغبت مردم به مطالعه می‌دانند. محدود بودن اوقات فراغت، نامناسب بودن برنامه‌های فرهنگی کشور در رفع نیازهای تفریحی، تعلیمی و پژوهشی گروه‌های جوان کشور و مهاجرت همه یسواد به کسادی و بی‌دقی بازار کتاب دامن می‌زند.

ج) کتابخانه‌های عمومی؛

۱- دلیل پایین بودن تعداد کتب موجود در

کتابخانه‌های عمومی

۱/۱ - عوامل اقتصادی؛ ناچیز بودن بودجه اختصاص داده شده برای خرید کتاب؛ شاید مهمترین عامل مستقیم پایین بودن تعداد کتب کتابخانه‌ها باشد، در سال ۷۱ تنها ۲۰ میلیون تومان (۱۲۵ هزار دلار) بودجه برای خرید کتاب جهت کتابخانه‌های عمومی اختصاص داده شد، یعنی به طور میانگین به هر کتابخانه عمومی رقمی در حدود ۲۰۸ دلار (۲۳/۲۸۰ تومان) بودجه تخصیص یافته است، این درحالی است که در سال ۱۳۶۸/۱۹۸۹ در انگلستان (۱۱۶/۲۵۲/۳۵۹) دلار معادل (۲۲/۰۵۹/۶۹۷/۱۸) تومان (۹۳۰ برابر ایران) (هر کتابخانه ۲۲۲/۰۵۹ دلار) در کانادا (۱۰۵/۳۲۲/۰۰۰) دلار معادل (۱۶/۸۵۱/۲۸۰/۰۰۰) تومان (۸۲۳ برابر ایران) هر کتابخانه (۱۷/۱۰۶) دلار، در هنگ‌کنگ (۴۱۳/۰۰۴) دلار معادل (۶۶/۰۸۰/۶۲۰) برابر ایران) هر کتابخانه (۷۷۹۲) دلار، و در ترکیه (۲/۱۷۶/۱۰۶) دلار معادل (۳۲۸/۱۷۶/۹۲۸) تومان (۱۷/۴ برابر ایران) هر کتابخانه (۲۵۲۸) دلار بودجه اختصاص داده شده است.

عنوان جدید کتاب خریداری نمایند.

- مشکل توزیع مناسب کتاب در سطح کشور؛ در سال ۶۶، ۷۶/۷٪ از مراکز انتشاراتی در تهران، ۱۷/۷٪ در پنج شهر مهم کشور، و تنها ۲/۶٪ در سایر مناطق کشور فعالیت داشته‌اند.

۲- دلایل عدم اشتیاق مردم به مطالعه کتب

۲/۱ - مشکلات اقتصادی که در بخش دلایل پایین بودن تیراژ و عنوان کتب بدانها اشاره کردیم (گران بودن کتاب، عدم تخصیص بودجه کافی برای خرید کتاب از طرف افراد، و نداشتن اوقات فراغت کافی

۱/۳ - عوامل علمی - پژوهشی چنانکه در بخش مطبوعات گفتیم ضعف ساختار علمی - پژوهشی سبب گردیده است که انتشارات علمی - تخصصی (از جمله کتب) از سطح کمی و کیفی نازل بر خوددار باشند. پایین بودن تعداد کتب منتشر شده در یک سال، مستقیماً در پایین بودن تعداد کتب کتابخانه‌های عمومی تأثیر می‌گذارد چرا که در شرایط مساعد از لحاظ بودجه خرید کتاب، با بودن تعداد عناوین و تیراژ کتب منتشر شده می‌تواند به افزایش عناوین کتابهای کتابخانه‌های عمومی منجر گردد.

۲ - دلایل پایین بودن تعداد مراجعین فعال

به کتابخانه‌های عمومی

۲/۱ - عوامل اجتماعی - فرهنگی؛ که در بخش مطبوعات و انتشار کتاب بدان پرداخته‌ایم؛ باید افزود که عدم عادت به مطالعه به عنوان یک عمل فرهنگی، به همراه خشک و بیروح بودن کتابخانه‌ها و جذاب نبودن مراکز تفریحی نظیر پارکها، سینماها، خبایانها، و... مراکز هم‌عرض موازی کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی دست بدست هم داده‌اند تا کتابخانه‌های عمومی کشور کمتر شاهد مراجعه‌کننده‌ای فعال و پرتحرک باشند.

۲/۲ - عوامل ساختاری و داخلی کتابخانه‌های

عمومی؛

- پایین بودن تعداد کتابداران متخصص و دارای تحصیلات دانشگاهی.
- عدم استفاده کتابخانه‌ها از وسایل پیشرفته اطلاع‌رسانی (نظیر کامپیوتر، دیسکتهای نوری ROM CD، برگردانهای کامپیوتری، میکروفیلم و...)
- عدم مکان و فضای مناسب جهت مطالعه در کتابخانه‌های عمومی.

د- رادیو و تلویزیون؛

توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، مستلزم گسترده‌بودن وسایل ارتباطی است که از طریق آنها بتوان پیامهای خاص و اطلاعات لازم را به اقشار مختلف جامعه که درگیر کارهای توسعه می‌باشند، رساند. رادیو و تلویزیون از این نوعند. تعداد زیاد رادیو و تلویزیون در کشورهای توسعه‌یافته حاکی از این امر است، چرا که توسط این وسایل (خصوصاً توسط رادیو) می‌توان پیام و اطلاعات لازم را به دورافتاده‌ترین نقاط کشور و جهان صادر نمود و افراد را در جهت مسیر توسعه حرکت داد؛ به عنوان مثال افزایش بازده محصولات



اگر قیمت میانگین هر جلد کتاب را در سال ۷۱، ۲۰۰ تومان در نظر بگیریم با بودجه ۲۰ میلیون تومانی، می‌توان صد هزار جلد کتاب برای کتابخانه‌های عمومی خریداری کرد یعنی حدود ۱۷۰ عنوان کتاب برای هر کتابخانه عمومی که با جمع کتابهایی که هشت امنای کتابخانه‌های عمومی برای آنها خریداری می‌کند به حدود ۲۲۵ جلد می‌رسد (حدود ۸/۵ کتی که هر سال برای بار اول چاپ می‌شود) از این رو اگر کتابخانه‌های عمومی بخواهند کتی را که در سال ۱۰ (نویسنده) چاپ و انتشار یافته خریداری کنند حدود ۱۲ سال طول می‌کشد که در این مدت تیراژ کتب چاپ شده در سالهای ۱.۱ تا ۱.۲ را خریداری کنند و این یعنی به روز نبودن و عقب ماندن از زمان.

۱/۲ - عوامل اجتماعی - فرهنگی؛ چنانکه در بخش مطبوعات گفتیم ضعف ساختار علمی - پژوهشی سبب گردیده است که انتشارات علمی - تخصصی (از جمله کتب) از سطح کمی و کیفی نازل بر خوددار باشند. پایین بودن تعداد کتب منتشر شده در یک سال، مستقیماً در پایین بودن تعداد کتب کتابخانه‌های عمومی تأثیر می‌گذارد چرا که در شرایط مساعد از لحاظ بودجه خرید کتاب، با بهبود تعداد عناوین و تیراژ کتب منتشر شده می‌تواند به افزایش عناوین کتابهای

کشاورزی - علاوه بر اینکه مستلزم باسواد بودن و اعتماد داشتن کشاورزان به مروجین است - بستگی به رساندن پیامهای کشاورزی و آموزشهای اصولی از طریق رادیو و تلویزیون دارد و برای سایر اقشار نظیر صنعتکاران و کارگران، اساتید و دانشجویان، و... نیز چنین است. دایرکردن کلاسهای آموزش از راه دور توسط رادیو و تلویزیون نیز گامی است در جهت توسعه اقتصادی - اجتماعی. و به همین دلایل است که در کشورهای توسعه یافته‌ای نظیر آمریکا و آلمان غربی می‌بینیم که برای هر هزار نفر به ترتیب ۲۱۲۳ و ۲۰۲ دستگاه رادیو وجود دارد یعنی هر آمریکایی بطور متوسط ۲/۱ رادیو (هر خانوار ۲ نفری ۸/۲ رادیو) و هر آلمانی ۱/۴ (هر خانوار ۲ نفر ۵/۶ رادیو) رادیو در اختیار دارد و نیز هر آلمانی و آمریکایی تقریب یک دستگاه تلویزیون دارند یعنی در یک خانوار ۲ نفری آلمانی ۳/۷ تلویزیون و در یک خانوار ۲ نفری آمریکایی ۳/۳ تلویزیون وجود دارد، که این ارقام حاکی از گسترده بودن وسایل ارتباطی در این کشورها دارد که این وسایل حتی به صورت ناخواسته، افراد جامعه را همگام و همراه با مسئولین و سیاستگذاران می‌نماید. در سطح ملی و بین‌المللی نیز کشورهای توسعه یافته‌ای نظیر آمریکا و آلمان قدرت اقتصادی و سیاسی خود را مدیون وسایل ارتباطی جمعی که کار تبلیغات کالاها و رواج مصرف‌گرایی را به عهده دارند می‌باشند. اگر ایران اسلامی بخواهد سطح فرهنگی و دانش ملی را بالا برده و افراد جامعه را در مسیر برنامه توسعه اقتصادی اجتماعی قرار دهد باید به گسترش وسایل ارتباطی دست یازد و رقم ۲۲۷ رادیو و ۷۰ تلویزیون برای هر هزار نفر را به ارقام بالاتر و مناسبتر برساند.

ه) سینما

سینما به عنوان هنر هفتم یکی از مراکز پیام‌رسانی و تفریحی است که نقش مهمی در آموزش افراد، خصوصاً جوانان - و سرگرم کردن آنها دارد. نمایش دادن فیلمهای متناسب با اهداف ملی و داخلی می‌تواند نقش اساسی در همگام نمودن جوانان با خواسته‌های دولت داشته باشد و آنان را از واقعیت‌های موجود اجتماعی مطلع گرداند. کشورهای توسعه یافته‌ای که قصد صدور کالاها به همراه فرهنگ خود به کشورهای دیگر را دارند از سینما و فیلمهای سینمایی به عنوان یکی از ابزار مهم سود می‌جویند و می‌توان مسئله تهاجم فرهنگی را در این جا ریشه‌یابی کرد.

کشورهای توسعه یافته در طی یک سال به تولید انبوه فیلمها در زمینه‌های مختلف و با سوزهای متنوع می‌پردازند چنانکه در سال ۱۹۸۹ در فرانسه ۲۶۵۸ فیلم ۳۵ میلی‌متری ساخته شد در حالی که در همین سال در ایران ۲۶۹ فیلم ساخته شد (۱۷ یا ۵/۷٪ فرانسه). مشکلات موجود در سینمای ایران - نظیر اخذ مجوز ساخت و نمایش فیلم، عدم تطابق بین فیلم‌نامه‌ها و فضای اجتماعی موجود که سبب می‌گردد تا برخی از کارگردانان برای بیان مشکل اجتماعی موجود به نمایش دوران قبل از انقلاب بپردازند، متنوع نبودن سوزها و تکراری بودن موضوعات نمایش از قبیل ازدواج و طلاق، اعتیاد و... خود

علنی است تا تعداد فیلمهای ساخته شده در سال پایین باشد. از سوی دیگر نمایش فیلمهای سینمایی محتاج مکانهایی مناسب می‌باشد. تعداد سالنهای سینما و ظرفیت سالنها در جذب تماشاگران بسیار مهم می‌باشند در این حال می‌بینیم که به ازای هر هزار ایرانی تنها ۳/۱ صندلی در سالنهای سینماهای کشور وجود دارد در حالیکه این رقم در کانادا و سوئد به ترتیب ۲۹/۱ و ۲۷/۷ می‌باشد، طبیعی است پایین بودن ظرفیت سینماها به همراه عوامل دیگر - نظیر گران بودن تفریحی قیمت بلیط برای نوجوانان و حتی جوانان، تکراری بودن موضوعات فیلمها، جذاب و متنوع نبودن فیلمها، عدم بازگویی فیلمها از واقعیت‌های اجتماعی و جنبه غیرواقعی و مبالغه‌ای داشتن آنها، نداشتن اوقات فراغت و فرصتهای مناسب و... سبب می‌گردد تا افراد جامعه کمتر به تماشای فیلمهای سینمایی بروند چنانکه مثلاً در چکسلواکی و کانادا هر فرد بطور متوسط در سال به ترتیب ۴/۵ تا ۳ بار به سینما می‌رود و در ایران ۱/۵ بار. با این حال در مقایسه با سایر وسایل ارتباطی سینماها در ایران از لحاظ تماشاگران و مخاطبین از وضعیت بهتری برخوردارند و بخشی از این بدلیل انگیزه‌های روانی و شخصیتی افراد خصوصاً جوانان و نوجوانانی است که برای رهایی از فشارهای خانوادگی و تحصیلی به تماشای فیلمهای سینمایی می‌روند.

نتیجه‌گیری

مقایسه شاخصهای فرهنگی در ایران (مطبوعات، کتاب، کتابخانه‌ها، رادیو و تلویزیون، و سینما) با سایر کشورهای جهان که در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفته نشان می‌دهد که در زمینه شاخصهای فوق بطور میانگین ایران ۱۰٪ امکانات کشورهای توسعه یافته را دارا می‌باشد.

بر سیاستگذاران فرهنگی کشور است که جهت رفع نواقص و ایجاد امکانات بهتر برای ترفیح فرهنگ و دانش جامعه به تلاش و برنامه‌ریزی بپردازند، برای این برنامه‌ریزی لازم است که: اولاً آگاهی دقیق از وضعیت موجود حاصل گردد و سپس با در نظر گرفتن امکانات و داشته‌ها و استفاده صحیح و اصولی از امکانات موجود به بهبود وضعیت فعلی پرداخته و وضعیت مطلوب را تحقق بخشید. در این راه حمایت‌های مالی دولت و بخش خصوصی و نیز باز شدن فضای فرهنگ و نگرشی به دانش و فرهنگ به عنوان مقوله‌های اساسی جهت زندگی در عصر حاضر، می‌توانند ابزارهای حیاتی محسوب گردند. به امید آن روز.

۱. توکل، محمد، جامعه‌شناسی طبقه، تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۰

۲. ملاحظه سینمای جوانان ۲، تهران و شهریار ۷۱، ص ۲۶

۳. کد و کلوی در مورد کتاب و وسائل نشر، اطلاعات، شنبه ۱۹/۱۰/۷۱، ص ۵

۴. گشت و گذار در بازار کتاب، نگاه، پنجشنبه ۱۹/۹/۷۱، ص ۵

۵. Statistical Yearbook 1992 (رقم قرمز است)